

تعامل پیشوند التزامی با پیشوند نفی در کردی سورانی

(ص ۹۹-۱۱۶)

روناک مرادی^۱

دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۳/۱

تاریخ پذیرش قطعی: ۱۳۹۱/۶/۲۵

چکیده

موضوع مورد بررسی در این مقاله، عدم باهم‌آیی پیشوند التزامی با پیشوند نفی در زبان کردی سورانی است. مبنای نظری مقاله براساس صرف توزیعی است. دلایل مختلفی پیشنهاد و بررسی می‌شود، و در نهایت، این نتیجه حاصل می‌شود که بنا به ویژگی‌های زمان-محور متفاوت زبان کردی، توجیهی که برای تعامل پیشوندهای وجه و نفی در زمان حال ارائه می‌شود، مستقل از این توجیهاست برای تعامل این دو در زمان گذشته است. پیشوندهای منفی متفاوت در زمان حال محصول فرایند درج واژگانی در بخش ساختواژه در صورت آوایی هستند، درحالی‌که پیشوندهای یکسان منفی در زمان گذشته و حذف ظاهری be- التزامی حاصل اعمال فرایند تهی‌سازی برای پیشوند التزامی در بخش ساختواژه صورت آوایی است. نتیجه نهایی این است که فرایندهای ساختواژی موجود در بخش صورت آوایی عامل تغییرات پیشوندی در زبان کردی هستند.

واژه‌های کلیدی: وجه التزامی، نفی، صرف توزیعی، حرکت، تهی‌سازی، درج واژگانی

۱- مقدمه

زبان کردی دارای سه وجه اخباری (مثال ۱)، التزامی (مثال ۲) و امری (مثال ۳) است:

1. men mæšq æ-nus-em.

اول شخص مفرد-نویس-نمود مشق من

‘مشق می‌نویسم/ (دارم) مشق می‌نویسم/ مشق خواهم نوشت.’

2. men æše mæšq be-nus-em.

اول شخص مفرد-نویس-وجه التزامی مشق باید من

‘من باید مشق بنویسم.’

3. be-nus-æ.

دوم شخص مفرد-نویس-وجه امری

‘بنویس.’

آنچه مدنظر است، توجیه چرایی حذف be- در صورت منفی شدن فعل است (مثال ۴):

4. dærs næ-(*be)xwæn-em, fe:r na-we-m.

اول شخص مفرد-شو-نفی یاد اول شخص مفرد-خوان(وجه التزامی)-نفی درس

‘(اگر) درس نخونم یاد نمی‌گیرم’

این در حالی است که با منفی کردن ساخت اخباری، پیشوند فعل که از جنس نمود است (-æ) حذف نمی‌شود (مثال ۵):

5. æ:r dæ:s-m-i æ-gerd næ-æ-kæft-Ø!

سوم شخص مفرد-افتاد-نمود-نفی گرفت-نمود سوم شخص مفرد-ضمیر ملکی اول

شخص مفرد-دست اگر

‘اگر دستمو می‌گرفت نمی‌افتاد!’

نکته‌ای که به ذهن می‌رسد، وجود نوعی ارتباط بین وجه و نفی است و این مقاله به آن می‌پردازد.

از جمله آثاری که به بررسی تعامل وجه و نفی پرداخته‌اند، می‌توان دوهان^۱ (۱۹۹۷)، زانوتینی (۱۹۹۷)، بیکر (۲۰۰۵) و باتلر (۲۰۰۳) را نام برد. در ادامه، ابتدا دو اثری که به بررسی نفی و وجه در فارسی پرداخته‌اند معرفی می‌شود (نگارنده اثری تخصصی در این زمینه در مورد کردی نیافته است) و سپس مبنای نظری مقاله که

1. Haan

صرف توزیعی است، مطرح می‌گردد. در بخش (۲) ذکر می‌شود که چرا برخلاف نظر همه زبانشناسان سنتی و برخی از زبانشناسان معاصر، -æ (که معادل "می" در فارسی است) نقش‌نمای نمود و نه وجه اخباری در نظر گرفته شده است. علت اهمیت این بررسی، نقشی است که این پیشوند در تعامل با نفی در مقابل be- التزامی ایفا می‌کند. در بخش (۳)، صیغگان فعل کردی توصیف می‌شود. در بخش (۴)، با ارائه تحلیل‌های مختلف نحوی، واجی، معنایی و ساختوازی، سعی می‌شود علت عدم باهم‌آیی پیشوند التزامی و پیشوند نفی روشن گردد، و نهایتاً، در بخش (۵) نتیجه مقاله مطرح می‌شود. طالقانی به بررسی تعامل نفی با افعال کمکی وجهی و نه وجه التزامی پرداخته است. وی براساس دسته‌بندی دوهان (۲۰۰۴) بیان کرده که زبان فارسی از زبان‌های دارای راهبرد گمارش نفی^۱ است؛ در این زبان‌ها، تعیین گستره معنایی میان افعال کمکی وجهی و نفی با جابجایی عنصر نفی میسر می‌شود. نفی در مثال (۶) دارای گستره بسیط^۲ و برفراز فعل وجهی "باید" است، درحالی‌که در مثال (۷) این فعل وجهی است که گستره بسیط دارد و نفی گستره‌اش محدود^۳ می‌شود:

۶. سارا نباید به شوهرش حقیقت رو گفته باشه.

۷. سارا باید به شوهرش حقیقت رو نگفته باشه. (طالقانی ۲۰۰۶: ۱۸۶)

درزی (۲۰۰۸) مهم‌ترین اثری است که مستقیماً به بررسی تعامل نفی و التزامی در زبان فارسی پرداخته است. وی عدم باهم‌آیی نقش‌نمای نفی و التزامی را منوط به علتی نحوی می‌داند و بیان می‌کند که در ساخت سلسله‌مراتبی این زبان، در بندهای غیر اخباری، یک گروه قطبی^۴ وجود دارد که توسط یک فعل کمکی وجهی، فعل بند پایه یا گروه قیدی انتخاب شده، می‌تواند یا مشخصه [-ناتمام] و یا مشخصه [+نفی] را داشته باشد. چنانچه هسته این گروه دارای مشخصه [-ناتمام] باشد، فعل به صورت التزامی است و نفی یا پیشوند می- با مشخصه [+ناتمام] نمی‌توانند بر روی فعل ظاهر شوند. اما اگر مشخصه این هسته [+نفی] باشد، دیگر التزامی روی فعل مشخص نمی‌شود. به خاطر خویشاوندی دو زبان کردی و فارسی، در بخش ۴، از این تحلیل برای

1. Negation Placement Strategy (NPS)

2. wide

3. narrow

4. polp

زبان کردی استفاده می‌شود تا معلوم شود که این تحلیل برای کردی پاسخ‌گو است یا خیر.

مبنای نظری این مقاله رویکرد صرف توزیعی^۱ (امبیک و نویر ۲۰۰۶) است که یکی از زیرشاخه‌های برنامه کمینه‌گراست. در صرف توزیعی تنها یک مؤلفه زایشی در دستور وجود دارد که بخش نحو است و واژه‌ها و ساختار درونی‌شان توسط همان ساخت‌های نحوی زایش می‌شوند که برای جمله‌سازی به کار گرفته می‌شوند. در این رویکرد، دستور از سه بخش نحو، صورت آوایی و صورت معنایی تشکیل شده است، واژگان و در نتیجه بخش صرف به عنوان بخشی مستقل و زایشی که قبل از نحو وجود داشت تبدیل به سه فهرست مجزا می‌شود و هر بخش از این صرف سه‌تکه در دسترس بخشی از دستور قرار می‌گیرد:

فهرست (الف) شامل ریشه‌ها و تکواژهای انتزاعی است. ریشه‌ها ترکیب‌های زبان ویژه‌ای از صدا و معنا، به همراه مشخصه‌های تفکیک کننده^۲ هستند. در مقابل، تکواژهای انتزاعی مشخصه‌های دستوری غیرآوایی مثل [گذشته] و یا [جمع] هستند که مفاهیمی مربوط به دستور همگانی و جهانی‌اند. سطح اشتقاق نحوی به این فهرست دسترسی دارد.

فهرست (ب) شامل واژگان و مجموعه‌ای از قواعد به نام اقلام واژگانی^۳ است. واژگان دارای فهرستی از کلیه بازنمایی‌های واجی^۴ برای تکواژهای انتزاعی زبان است، و اقلام واژگانی مسئول منطبق کردن این محتواهای واجی با آن تکواژهای انتزاعی در فهرست (الف) هستند. این عمل انطباق، که درج واژگانی^۵ نامیده می‌شود، به بافتی که در آن اعمال می‌شود حساس است.

دایره‌المعارف - فهرست (ج) - مجموعه‌ای از اطلاعات معنایی برای ریشه‌ها و یا اصطلاحات است. آنچه که این فهرست به آن دسترسی دارد، نه صورت آوایی و نه صورت منطقی است، بلکه تفسیر برونداد این دو صورت است.

1. distributed morphology (DM)

2. diacritic

3. vocabulary items

4. exponent

5. vocabulary insertion

از آنجا که در صرف توزیعی واژه‌سازی توسط ساخت‌های نحوی صورت می‌گیرد، انتظار می‌رود که میان هر پایانه نحوی و بازنمایی واجی یک رابطه انطباقی یک به یک وجود داشته باشد، اما در برخی از موارد، ساخت حاصل با آنچه که در زبان وجود دارد یکسان نیست. صرف توزیعی برای توجیه این عدم مطابقت‌ها و در عین حال وفاداری به این امر که ساخت‌های نحوی همچنان مسئول واژه‌سازی هستند، به یک دسته فرایندهای ساختواژی در حد فاصل سطح بازنمون و صورت آوایی قائل می‌شود (فهرست ب). از قواعد موجود در این بخش که قواعد بازآرایی^۱ نامیده می‌شوند، می‌توان انشقاق^۲ و تهی‌سازی^۳ را نام برد.

زمانی که در برونداد، برای یک پایانه نحوی بیشتر از یک بازنمایی واجی وجود دارد، شاهد عملکرد قاعده انشقاق هستیم؛ این قاعده سبب می‌شود یک پایانه نحوی چند بازنمایی واجی داشته باشد. فرایند تهی‌سازی مسئول توجیه تکواژهایی است که اگرچه مشخصه نحوی بیشتری نسبت به صورت بی‌نشان خود دارند، اما دارای محتوای آوایی یکسانی با آن صورت بی‌نشانند. این فرایند مشخصه‌ای را از تکواژ حذف می‌کند و در نتیجه آن، تکواژ مذکور محتوای آوایی خاص خودش را از دست می‌دهد و همانند تکواژگونه بی‌نشان تلفظ می‌شود.

از دیگر فرایندهای ساختواژی موجود در صورت آوایی - که آن‌ها را فرایندهای واجی نیز می‌نامند- دو نوع حرکت است؛ که یکی پیش از ترتیب خطی و دیگری پس از آن اعمال می‌شود. این حرکت‌ها را ادغام ساختواژی^۴ می‌دانند و مسئول ساختن واژه‌های پیچیده هستند. در نوع اول، حرکت به صورت سلسله‌مراتبی و تنزیلی^۵ است. در نوع دوم، حرکت به صورت خطی است، جابجایی موضعی^۶ نامیده می‌شود و نیاز به مجاورت خطی دارد (امبیک و نویر ۲۰۰۱).

- 1.readjustment rules
- 2.fission
- 3.impooverishment
- 4.morphological merger
- 5.lowering
- 6.local dislocation

۲- æ: نقش‌نمای نمودی

کامری (۱۹۷۶) نمود را راه‌های مختلف مشاهده ساختار زمانی درونی یک موقعیت و رخداد می‌داند. این ویژگی منحصر به زبان خاصی نیست، بلکه بخشی از نظریه عمومی زبان است (کامری ۱۹۷۶ به نقل از احمد ۲۰۰۴: ۱۹۷). وی به نظام دوشقی تمام/ناتمام برای نمود قائل می‌شود؛ در نمود تمام، تمامیت رخداد بدون ارجاع به ساختار زمانی درونی‌اش نشان داده می‌شود و رخداد به مثابه یک کل تجزیه نشده و دربردارنده ابتدا و وسط و انتهای کنش است. در مقابل، نمود ناتمام به کل رخداد اشاره نمی‌کند، بلکه به یک نقطه زمانی میانی در ساختار زمانی کنش اشاره می‌کند: بدون اشاره به آغاز و پایان کنش. وی تفاوت میان تمام/ناتمام را در مشاهده کنش از بیرون - برای تمام- و مشاهده کنش از درون - برای ناتمام - می‌داند (همان). زبان‌ها تقسیمات نمودی مختلفی دارند، اما یک گسستگی نمودی مشترک که به طور بین‌زبانی مشاهده شده، گسستگی تمام/ناتمام است (بایبی ۱۹۸۵ به نقل از باتلر ۲۰۰۶: ۱۸۵). تقسیمات نمودی در کردی سورانی به صورت تمام/ناتمام/کامل است (احمد ۲۰۰۴: ۲۶۰).

بسیاری از زبان‌شناسان معتقدند که پیشوند be- در مثال (۲) نقش‌نمای التزامی است (مک کاروس ۱۹۵۸، فتاح ۱۹۹۷، تکستون ۲۰۰۴، احمد ۲۰۰۴، کیم ۲۰۱۰). اما در مورد æ- اختلاف نظر وجود دارد، برخی آن را نقش‌نمای وجه اخباری (فتاح ۱۹۹۷، تکستون ۲۰۰۴، کیم ۲۰۱۰) و تعدادی نیز آن را پیشوند نمود ناتمام می‌شناسند (مک-کاروس ۱۹۵۸، احمد ۲۰۰۴). اما دلایلی که چرا باید آن را عنصری نمودی دانست به شرح زیر است.

۲-۱- دلیل صرفی

زبان کردی سورانی دارای هفت صورت فعلی در زمان گذشته است؛ چهار صیغه از آن‌ها دارای وجه اخباری و سه صیغه دیگر وجه التزامی دارند.

جدول ۱: صیغگان فعل در زبان کردی

معنا	مثال	ساخت	زمان، نمود، وجه
می‌افتم	æ-kæf-em	dæ/æ + present stem + pc	حال، ناتمام، اخباری
بیفتم	be-kæf-em	be + present stem + pc	حال، تمام، التزامی
افتادم	kæft-em	past stem + pc	گذشته ساده، تمام، اخباری
می‌افتادم	æ-kæft-em	dæ/æ + (pc) + past stem + (pc)	گذشته ساده، ناتمام، اخباری
(اگر) افتاده باشم	be-kæft-aye-m kæwti-ba:-m	be + (pc) + past stem + aye+ (pc) / bi + past stem + ba:+pc	گذشته ساده، تمام/ناتمام، التزامی
افتاده‌ام	kæft-em-æ	past stem + pc + æ	گذشته نسبی، کامل، اخباری
افتاده باشم	kæft-u[w]-em	past stem + u: + pc	گذشته نسبی، کامل، التزامی
افتاده بودم	kæft-u:-m	past stem + past stem of bu:n + pc	گذشته بعید، کامل، اخباری
(اگر) افتاده بودم	kæft-u:-[y] ¹ aye-m	past stem + past stem of bu:n + (pc) + aye+ (pc)	گذشته بعید، کامل، التزامی

توجه به چهار صورت گذشته اخباری نشان می‌دهد که تنها آن صورتی دارای پیشوند -æ است که نمود ناتمام دارد. از این رو، نمی‌توان -æ را نقش‌نمای وجه اخباری دانست، چرا که در آن صورت باید شاهد حضورش در هر چهار صورت مذکور می‌بودیم.

۲-۲- دلیل معنایی

مک کاروس (۱۹۵۸: ۵۲) معتقد است که این پیشوند دارای معنای ناتمام است و تنها در افعال دارای وجه اخباری می‌آید. به اعتقاد مک کاروس، نقش‌نمای -æ دارای سه معنای نمودی است: یا نشان می‌دهد فعل در حال انجام گرفتن است (تفسیر الف)، یا هنوز رخ نداده و در آینده اتفاق می‌افتد (تفسیر ب) و یا یک کنش عادت‌ی را نشان می‌دهد (تفسیر ج):

8. æ-xwæ-m

۱. در مجاورت دو واکه در میان [] واج میانجی درج می‌شود که انتخاب آن بر اساس ویژگی‌های تلفظی لهجه سورانی سندجی است.

الف: دارم می‌خورم.

ب: خواهم خورد. می‌خواهم بخورم.

ج: هر روز می‌خورم.

۲-۳- دلیل نحوی

توجیه دیگری که نشان می‌دهد æ متفاوت از be- است و نقش‌نمای وجهی نیست، جایگاه نحوی متفاوت آن است که می‌توان آن را در حضور پیشوند نفی نشان داد:

9. næ-æ-čũ-[y]aye (نمی‌رفتم)

10. næ-(*be-)-čũ-m (نرم)

در حضور پیشوند نفی پیشوند نمود در جای خود باقی می‌ماند (مثال ۹)، درحالی‌که پیشوند وجه از بین می‌رود (مثال ۱۰). این امر بر نبودن آن‌ها از یک جنس دستوری، و در نتیجه نداشتن یک جایگاه نحوی واحد، گواهی می‌دهد.

در این بخش با اتکا به سه دلیل نحوی و معنایی نشان داده شد که be- و æ- از یک جنس دستوری نیستند و در دو جایگاه نحوی متفاوت قرار دارند.

۳- توصیف صیغگان فعلی در کردی

فعل کردی در زمان حال یک پیشوند می‌گیرد که نمودی (æ-) و یا وجهی (be-) است. با توجه به اینکه یکی از دو صیغه زمان حال، دارای وجه اخباری و نمود ناتمام است (ækaefem 'می‌افتم') و دیگری وجه التزامی و نمود تمام (bekæfem 'بیفتم')، و از آنجا که مشخصه‌های ناتمام و التزامی توسط پیشوندهای خاصی (به ترتیب æ- و be-) نشان داده می‌شوند، چنین به نظر می‌رسد که در کردی، نمود تمام و وجه اخباری مشخصه‌های بی‌نشان بوده و دارای بازنمایی واجی تهی‌اند. ساخت گذشته تمام اخباری می‌تواند این ادعا را تأیید کند؛ در این صورت فعلی (kæftem 'افتادم')، هر دو مفهوم نمود تمام و وجه اخباری بخشی از مفاهیم فعل هستند، اما نقش‌نمای خاصی برای آن‌ها وجود ندارد.

در مقابل دو صیغه گذشته اخباری تمام و گذشته اخباری ناتمام، تنها یک صورت التزامی وجود دارد. این صیغه فعلی (گذشته التزامی تمام/ناتمام) در گویش سورانی (با دو لهجه اصلی سورانی و موکریانی) بر دو نوع است:

الف) لهجه سورانی (سلیمانیه/بانه/سقز) *bi-kæwti-m-aye* یا (لهجه سنندجی) *be-kæft-aye-m*

ب) لهجه موکریانی (بوکان/مه‌باد/اربیل) *kæwti-ba:-m*

این دو ساخت دو گونه اشتقاق فعل گذشته التزامی هستند که هم نمود تمام و هم ناتمام را نشان می‌دهند. به عبارتی این دو صورت فارغ از مسئله وجه، هم‌معنا هستند و در هر یک از لهجه‌ها صرفاً یکی به کار برده می‌شود.

در مورد ساخت‌های کامل و نسبی، کردی هر دو صورت التزامی و اخباری را دارد. در گذشته کامل التزامی، تکواژ *-aye* به فعل پسوند افزایی شده است (*kæftu:[y]ayem* 'اگر) افتاده بودم')، و در گذشته نسبی التزامی، مشخصه التزامی بر روی فعل "بودن" ظاهر می‌شود (*uw-* در *kæftuwem* 'افتاده باشم').

۴- تعامل *be-* با پیشوند نفی

در این بخش، استدلال‌های متفاوتی برای توجیه رفتار پیشوندهای فعلی در کردی مطرح می‌گردد و در نهایت، استدلالی که از قوت بیشتری برخوردار است معرفی می‌شود. روند تحلیل به این صورت است که ابتدا استدلال ممکن مطرح و نقاط مثبت آن ذکر می‌گردد، سپس از دلیلی صحبت می‌شود که این استدلال را رد می‌کند، و به همین منوال، پس از آن استدلال دیگری ارائه می‌شود تا جایی که تحلیل برتر به دست آید.

۴-۱- برخی تحلیل‌های بالقوه

۴-۱-۱- تحلیل ساختواژی

حذف *be-* در حضور پیشوند نفی می‌تواند معلول ساختواژه فعل باشد؛ به این صورت که فعل تنها یک جایگاه پیشوندی داشته باشد و نتواند همزمان دو پیشوند بگیرد. اما ساخت گذشته اخباری ناتمام منفی این امکان را نقض می‌کند (مثال ۹) و نشان می‌دهد که فعل می‌تواند همزمان دو پیشوند داشته باشد.

۴-۱-۲- تحلیل واجی

مثال‌های (۱۷-۱۵) منفی شدن فعل با سه وجه اخباری، التزامی و امری را در زمان حال نشان می‌دهند:

11. æ-ro-m (می‌روم) na- + æ-ro-m → na-ro-m (نمی‌روم)

12. be-ro-m (بروم) na- + be-ro-m → næ-ro-m (نروم)

13. be-ro (برو) na- + be-ro → mæ-ro (نرو)

طبق این مثال‌ها، می‌توان سه فرایند آوایی زیر را در راستای توجیه شکل‌های مجزای عنصر نفی در زبان کردی معرفی کرد:

A. na- + æ- → na (حال اخباری: نفی + نمود ناتمام)

B. na- + be- → næ (حال التزامی: نفی + وجه التزامی)

C. na- + be- → mæ (حال امری: نفی + وجه امری)

این سه شکل مجزای عنصر نفی قابلیت بازشناسی وجه‌های مختلف زبان کردی را ممکن می‌سازند. اما چنین تحلیلی با دو مشکل مواجه است: اول آنکه، لازم است که صورت زیرساختی تکواژ نفی -na دانسته شود و نه -næ، و این در حالی است که همه صیغه‌های گذشته با -næ منفی می‌شوند:

14. næ-kæft-em (گذشته اخباری تمام: نیفتادم)

15. næ-ækæft-em (گذشته اخباری ناتمام: نمی‌افتادم)

16. næ-kæft-aye-m (گذشته التزامی نا/تمام: (اگر) نیفتاده باشم)

17. næ-kæft-em-æ (گذشته نسبی اخباری کامل: نیفتاده‌ام)

18. næ-kæft-uw-em (گذشته نسبی التزامی کامل: نیفتاده باشم)

19. næ-kæft-u:-m (گذشته بعید اخباری کامل: نیفتاده بودم)

20. næ-kæft-u:-[y]aye-m (گذشته بعید التزامی کامل: (اگر) نیفتاده بودم)

در صیغه‌های بالا، امکان بازبایی وجه فعل از روی شکل عنصر نفی ممکن نیست. به علاوه، معلوم نیست که چرا در گذشته اخباری تمام (مثال ۱۸) -na به -næ تغییر کرده است، در حالی که هیچ پیشوند دیگری در مجاورت پیشوند نفی وجود ندارد. همچنین، انتظار می‌رود فرایند (الف) بر روی مثال (۱۹) عمل کند که نکرده است.

۴-۱-۳- تحلیل نحوی (درزی)

در بخش (۱) ذکر شد که تحلیل درزی (۲۰۰۸) بر روی کردی بررسی می‌شود. طبق این تحلیل، التزامی مشخصه [- ناتمام] دارد، یعنی عدم حضور ویژگی نمود ناتمام مساوی حضور وجه التزامی است. شاید چنین تحلیلی صرفاً برای زمان حال و یا زبان فارسی که فاقد التزامی ناتمام است پاسخگو باشد، اما چنانکه در جدول (۱) مطرح شد، گذشته التزامی در کردی هم معنای نمود تمام و هم معنای نمود ناتمام را دارد، پس مشخص کردن التزامی بر روی هسته گروه قطبی با مشخصه [- ناتمام] برای این زبان ناکارآمد است.

۴-۲- تحلیل جدید

فرایند حرکت در نمودارهای درختی می‌تواند به صورت تنزیلی یا ارتقایی^۱ باشد؛ چنانچه حرکت در نحو رخ دهد به سمت بالا و ارتقایی است، اما اگر در پس‌انحو رخ دهد به سمت پایین و تنزیلی است. همان‌طور که در بخش (۱) مطرح شد، در صرف توزیعی، نحو تنها مؤلفه زایشی در دستور است و همان ساخت‌های نحوی که برای جمله‌سازی به کار گرفته می‌شوند، واژه‌ها و ساختار درونی‌شان را نیز زایش می‌کنند. بنابراین در بررسی تعامل پیشوندهای نفی و التزامی که مربوط به چینش خطی فعل هستند، نمی‌توان ساخت نحوی را در نظر نگرفت.

امبیک و نویر (۲۰۰۱) معتقدند که در زبانی ضمیرانداز همچون فرانسه، حرکت نحوی فعل به گره‌های نقشی باعث پدید آمدن چینش خطی آن می‌شود. همچنین در زبانی مثل انگلیسی، عارض شدن عنصر صرفی بر روی فعل حاصل فرایند تنزیل هسته نقشی به هسته متمم خود در صورت آوایی است. حال سؤال اینست که در زبان کردی حرکت فعل در بخش نحو صورت می‌گیرد (مثل فرانسوی) یا در بخش صورت آوایی (همچون زبان انگلیسی)؟

کردی سورانی در زمان حال از نظام فاعلی-مفعولی و در گذشته از نظام مطلق-کنایی پیروی می‌کند. از این رو، شاید نتوان برای هر دو زمان، به حرکت در یک بخش واحد (نحو یا پس‌انحو) قائل شد. کردی از زبان‌های ضمیرانداز است و از این رو،

1. raising

حرکت فعلی در بخش نحو برای اتخاذ شناسه فاعلی محتمل‌تر می‌نماید. اما مسئله اینجاست که بین ماهیت شناسه فاعلی در زمان حال و گذشته در کردی تفاوت هست. سمولیان (۲۰۰۷) معتقد است که شناسه فاعلی برای زمان حال از جنس وند است که به فعل پسوندافزایی می‌شود، درحالی‌که شناسه فاعلی برای فعل در زمان گذشته پی بست است که به جایگاه دوم در گروه فعلی می‌چسبد. از این رو، اگر قائل شدن به حرکت فعلی در زمان حال در بخش نحو محتمل‌تر به نظر می‌آید، در مقابل، از آنجا که جایگزینی پی بست در صرف توزیعی در پس‌انحو صورت می‌گیرد (امبیک و نویر ۲۰۰۱)، نگارنده معتقد است که چنانچه حرکتی برای فعل یا گره‌های نقشی در زمان گذشته وجود دارد، این حرکت پس‌انحوی و در بخش صورت آوایی است.

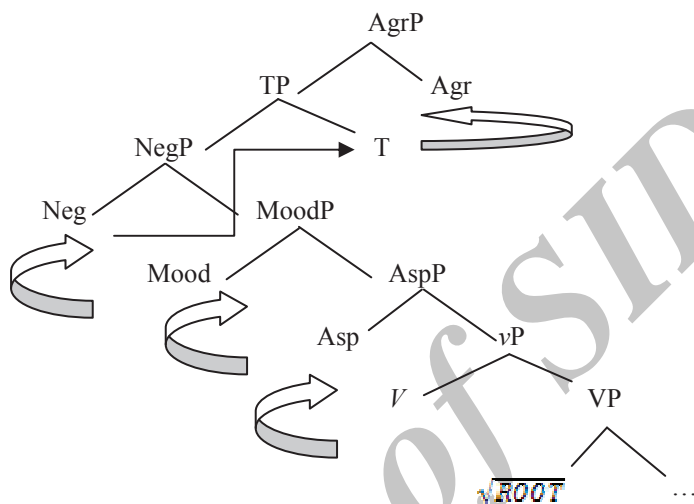
۴-۲-۱- حرکت در نحو

فعل کردی در زمان حال یک جایگاه پیشوندی دارد که دارای گروهی^۱ از مشخصه‌های نمود، وجه و نفی است و به صورت $[\pm \text{نفی } \alpha \text{ وجه } \pm \text{ناتمام}]$ است. نفی و نمود دارای ارزش دوقطبی هستند، به این معنا که فعل یا مثبت است $[-\text{نفی}]$ و یا منفی $[\text{نفی}]$ ، و یا نمود تمام دارد $[-\text{ناتمام}]$ و یا نمود ناتمام $[\text{+ناتمام}]$. اما وجه در زمان حال یک مؤلفه سه ارزشی است که اخباری، التزامی و یا امری است و انتخاب نوع آن با توجه به مشخصه‌های دیگر صورت می‌گیرد؛ چنانچه گروه نیرو دارای مشخصه $[\text{+امری}]$ باشد وجه فعل امری می‌شود، و یا اگر بند دارای فعل کمکی وجهی باشد، وجه $[\text{+التزامی}]$ می‌شود. بنابراین انتخاب ارزش α برای وجه به معنای بافت - وابسته بودن آن است.

گفته شد که به خاطر وند بودن شناسه فاعلی، ضمیرانداز بودن زبان کردی و همچنین پیروی از نظام فاعلی-مفعولی، حرکت فعل زمان حال در بخش نحو صورت می‌گیرد. اگر به ساخت زیر برای کردی قائل شویم، حرکت فعل به ترتیب به گره‌های نقشی نمود، وجه، نفی، زمان و مطابقه صورت می‌گیرد. این حرکت چینش خطی اجزای فعل را به خوبی میسر می‌کند: چپ-شاخه‌ای بودن نمود، وجه و نفی، پیشوند بودن

1. bundle

بازنمایی واجی نهایی را توجیه می‌کند و راست-شاخه‌ای بودن زمان و مطابقه پسوند بودن شناسه فاعلی در زمان حال را توجیه می‌کند.



نمودار (۱): نمودار نحوی در کردی سورانی و حرکت فعل در بخش نحو

در صرف توزیعی، انتخاب بازنمایی واجی برای جایگاه‌ها یا تکواژهای انتزاعی، توسط قاعده درج واژگانی و بر اساس اصل زیرمجموعه^۱ در بخش صورت آوایی صورت می‌گیرد. این اصل بیان می‌کند که میان بازنمایی‌های واجی یک تکواژ انتزاعی برای درج شدن رقابت وجود دارد و آن بازنمایی در این رقابت می‌تواند پیروز شود که تعداد مشخصه‌های مشترک بیشتری با تکواژ انتزاعی یا جایگاه ساختواژی داشته باشد. اقلام واژگانی برای جایگاه پیشوند فعلی در زمان حال به صورت زیر است:

[- نفی اخباری + ناتمام] ↔ æ-	[- نفی اخباری - ناتمام] ↔ ∅
[+ نفی اخباری + ناتمام] ↔ na ^۲ -	[+ نفی اخباری - ناتمام] ↔ ∅

1. subset principle

۲. تکستون (۲۰۰۴) این صورت منفی (-na) را محصول اعمال فرایند تقویت واکه‌ای æ + na می‌داند. اما نکته اینجاست که در لهجه‌هایی که از تکواژگونه -da برای نمود ناتمام استفاده می‌کنند، چنین فرایندی میسر نیست، اما همچنان مشاهده می‌شود که در آن لهجه‌ها نیز پیشوند نفی در حال اخباری به صورت -na است (برای دیدن مثال‌هایی در این زمینه، رک به کیم ۲۰۱۰).

Ø ↔ [-نفی التزامی + ناتمام]	be- ↔ [-نفی التزامی - ناتمام]
Ø ↔ [+نفی التزامی + ناتمام]	næ- ↔ [+نفی التزامی - ناتمام]
Ø ↔ [-نفی امری + ناتمام]	be- ↔ [-نفی امری - ناتمام]
Ø ↔ [+نفی امری + ناتمام]	mæ- ↔ [+نفی امری - ناتمام]

ارزش نفی مستقل از وجه است، اما [ناتمام] بودن یا نبودن نمود از روی وجه قابل بازیابی است. این بازشناخت به صورت عکس نیست، چرا که گرچه وجه اخباری از روی مشخصه [+ناتمام] قابل بازیابی است، اما دو وجه التزامی و امری دارای نمود تمام هستند. از این رو، اقلام واژگانی بالا دچار کم‌مشخصه‌گی^۱ می‌شوند:

na- ↔ [+نفی اخباری]	æ- ↔ [-نفی اخباری]
næ- ↔ [+نفی التزامی]	be- ↔ [-نفی التزامی]
mæ- ↔ [+نفی امری]	be- ↔ [-نفی امری]

طبق این توضیحات، فعل در زمان حال دارای حرکت در بخش نحو است. همچنین یک جایگاه پیشوندی دارد که در صورت آوایی یک بازنمایی واجی را برای سه مشخصه نفی، وجه و نمود، که در اثر حرکت ارتقایی فعل در کنار هم قرار گرفته‌اند، می‌پذیرد. برای این جایگاه شش بازنمایی واجی وجود دارد که هر کدام به طور مستقل، ارزش نفی، وجه و نمود فعل را نشان می‌دهند؛ بازشناسی نوع وجه در فعل منفی از روی پیشوند ممکن است.

۴-۲-۲- حرکت در پسانحو

نمودار نحوی برای گذشته همان است که برای زمان حال ارائه شد (نمودار ۱). اما تفاوت‌های مشاهده شده در رفتار پیشوندها و پسوندهای فعل در این دو زمان ناشی از تفاوت در بخشی از دستور است که حرکت در آن رخ می‌دهد. این حرکت برای زمان حال در بالا توضیح داده شد. اما در مورد زمان گذشته، تکواژهای انتزاعی و ریشه‌ها در پایانه‌های نحوی در نمودار درختی ادغام می‌شوند، اما حرکتی در این بخش صورت نمی‌گیرد.

برخلاف ساختواژه فعل در زمان حال، فعل در زمان گذشته دارای سه پیشوند است که به ترتیب میزبان بازنمایی‌های واجی نمود، وجه و نفی است. اتفاقی که در اینجا

1. underspecification

رخ می‌دهد اعمال فرایند تهی‌سازی بر روی وجه التزامی در حضور نفی و مشخصه [گذشته] (برای گروه زمان) است. زمانی که چنین فرایندی اعمال می‌شود، تکواژ انتزاعی نشان‌دار، اگرچه مشخصه نحوی بیشتری نسبت به صورت بی‌نشان خود دارد، اما دارای محتوای آوایی یکسانی با آن صورت بی‌نشان می‌شود. این فرایند مشخصه‌ای را از تکواژ نشان‌دار حذف می‌کند و در نتیجه آن، تکواژ مذکور محتوای آوایی خاص خودش را از دست می‌دهد و به صورت تکواژ بی‌نشان تلفظ می‌شود. از آنجا که وجه اخباری صورت بی‌نشان وجه و دارای محتوای آوایی تهی است، التزامی نیز پس از فرایند تهی‌سازی محتوای آوایی‌اش را از دست می‌دهد. این فرایند به صورت زیر است:

be- → Ø / [past] næ- _____

قائل شدن به این فرایند برای زمان گذشته دو مزیت دارد؛ اول آنکه شکل واحدی که عنصر نفی در همه صیغه‌های زمان گذشته دارد را توجیه می‌کند. دوم آنکه، حضور بازنمایی واجی تهی برای وجه، مانع از انجام فرایند تقویت واکه‌ای زیر میان پیشوندهای نفی و ناتمام در وجه اخباری می‌شود:

* næ- + -æ → na-

بازشناسی نوع وجه در حضور næ- توسط ویژگی‌های ساختارهای افعال در زمان گذشته صورت می‌گیرد: با توجه به جدول (۱) مشخص می‌شود که هر صیغه فعلی از زمان گذشته دارای ساختار منحصربه‌فرد خودش است. حتی اگر فرایند آوایی فوق نیز صورت می‌گرفت و næ- تبدیل به na- می‌شد، صورت منفی حاصل در گذشته اخباری ناتمام باز هم متفاوت از صورت منفی گذشته اخباری تمام (که پیشوند منفی næ- دارد) می‌بود. بنابراین یکسانی پیشوندهای منفی در این ساختارها و حذف پیشوند التزامی مانعی در بازشناسی التزامی ایجاد نمی‌کند.

فعل کردی دارای دو ستاک حال و گذشته است؛ به این معنا که ریشه‌ای که در پایانه نحوی زیر فعل قرار می‌گیرد، خود مشخصه حال یا گذشته بودن را با خود به همراه دارد. بنابراین، برای اخذ مشخصه زمان، به حرکت ارتقایی فعل یا تنزیلی وند زمان نیازی نیست، بلکه تنها کافی است که ستاک فعلی با مشخصه زمان در رابطه مطابقه قرار بگیرد^۱. شناسه فعل نیز در زمان گذشته به صورت پی‌بست است و جایگزینی آن در

۱. طبق این تحلیل، حرکت فعل در زمان حال، برای اخذ شناسه فاعلی است و نه دریافت مشخصه زمان.

پسانحو صورت می‌گیرد. پی‌بست‌ها در کردی در جایگاه دوم قرار می‌گیرند؛ یعنی به بعد از اولین عنصر فعلی می‌چسبند.

۵- نتیجه

در ابتدای مقاله این سؤال مطرح شد که در همینیشنی پیشوند التزامی با پیشوند نفی در زبان کردی محدودیت وجود دارد، درحالی‌که پیشوند نمود و نفی دارای باهم‌آیی هستند. در بخش مقدمه از مبنای نظری مقاله که صرف توزیعی (امبیک و نویر ۲۰۰۶) است صحبت شد، همچنین تحلیل دو زبانشناس ایرانی در موضوعی مشابه اما در مورد زبان فارسی مطرح گردید. سپس ماهیت پیشوند -*æ* معلوم گردید و صیغگان فعل کردی، به طور خلاصه و با توجه به مشخصه وجه توصیف شد. در ادامه، علل ممکن مختلفی برای پاسخ به سؤال مطرح شده بررسی شد و در نهایت، نگارنده تحلیلی زمان-محور را مطرح می‌کند. در زمان حال، کردی از نظام فاعلی-مفعولی و شناسه فاعلی از جنس وند بهره می‌گیرد، درحالی‌که، در گذشته دارای نظام مطلق-کنایی و شناسه فاعلی پی‌بستی است. این حقایق نشان‌دهنده وجود حرکت ارتقایی فعل در زمان حال و امکان حرکت تنزیلی در زمان گذشته است. با استدلال‌هایی که در زیر بخش (۴-۲-۲) مطرح شد، معلوم گردید که در زمان گذشته نیازی به حرکت تنزیلی نیست. پیشوندهای مختلف منفی برای وجه‌های متفاوت در زمان حال نشأت گرفته از وجود یک جایگاه پیش فعلی در ساختار فعل در این زمان است. این جایگاه برای سه مشخصه نفی، وجه و نمود ارزش‌گذاری شده‌اند، اما اقلام واژگانی این مشخصه‌ها را به دو مشخصه نفی و وجه کم‌مشخصه کرده، بر اساس ارزششان به آن‌ها محتوای آوایی یا همان بازنمایی واجی می‌دهند. در زمان گذشته، ساختار فعل دارای سه جایگاه پیشوندی است و به هر کدام از پیشوندهای نمود، وجه و نفی به طور مستقل بازنمایی واجی داده می‌شود. در اینجا شاهد اعمال فرایند تهی‌سازی بر روی پیشوند التزامی در حضور نفی و مشخصه زمان گذشته هستیم که منجر به اخذ محتوای آوایی همتای بی‌نشانش که وجه اخباری است می‌شود. بازنمایی واجی وجه اخباری به صورت تهی است و در نتیجه تکواژ التزامی نیز تهی می‌شود. نتیجه نهایی این است که فرایندهای ساختارهای موجود در بخش صورت آوایی عامل تغییرات پیشوندی در زبان کردی هستند.

منابع

- Ahmad, M. F. 2004. The tense and aspect system in Kurdish. Doctoral dissertation, The school of Oriental and African Studies, London.
- Baker, M. C. 2005. On verb-initial and verb-final word order in Lokaa. *Journal of African Languages and Linguistics* 26: 125-164
- Butler, J. 2003. A minimalist treatment of modality. *Lingua* 113: 967-996.
- Bybee, L. J. 1985. *Morphology, A Study of the Relation between Meaning and Form*. Amsterdam: John Benjamins B.V.
- Darzi, A. 2008. *Subjunctive-Negtion Interaction in Persian*. *Proceedings of The 18th international Congress of Linguists*, Korea University, Seoul, Korea (1684-1695).
- Haan, F. D. 1997. *The Interaction of Negation and Modality: A Typological Study*. New York: Garland.
- Embick, D. & R. Noyer (2001). Movement operations after syntax. *Linguistic Inquiry* 32:4, 555-595.
- Embick, D. & R. Noyer 2006. *Distributed morphology and syntax-Morphology Interface*, interface.pdf.
- Enç, M. 1996. Tense and Modality. In S. Lappin (ed.). *The Handbook of contemporary semantic theory* (345-358). Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Fattah, M. M. 1997. A generative grammar of Kurdish. doctoral dissertation, University of Amsterdam, Amsterdam.
- Kim, D.H. 2010. *A basic guide to Kurdish grammar*, <http://www.clik2rock.org>.
- McCarus, E. N. 1958. *A Kurdish grammar: descriptive analysis of the Kurdish of Sulaimaniya, Iraq*, <http://ebookbrowse.com/kurdish-grammar-suleimani-1958-pdf-d121006052>
- Samvelian, P. 2007. What Sorani Kurdish absolute prepositions tell us about Cliticization. In F. Hoyt, N. Seifert, A. Teodorescu & J. White (vol. eds.) & S. Wechsler (series eds.). *Texas Linguistic Society IX: The Morphosyntax of underrepresented languages* (265-285).
- Thackston, W. M. 2004. *Sorani Kurdish, A reference grammar with selected Reading*, http://www.fas.harvard.edu/~iranian/Sorani/sorani_1_grammar.pdf

- Taleghani, A. H. 2006. Modality, aspect and negation in Persian. Doctoral dissertation, University of Arizona, Arizona.
- Zanuttini, R. 1977. Negation and clause structure, a comparative study of romance Languages. Oxford: Oxford University Press

Archive of SID